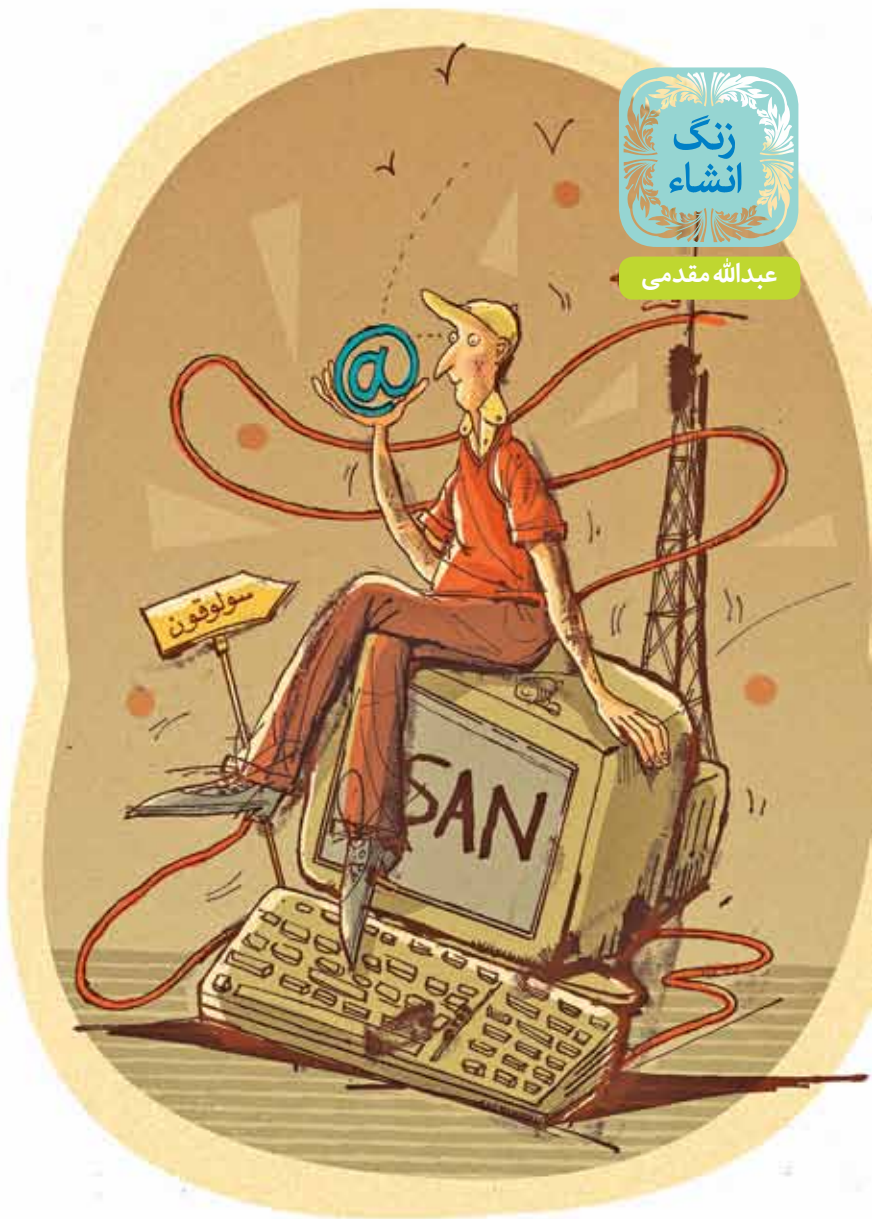


اینترنت را تعریف کنید با رسم شکل!



زنگ جغرافی: آقا اجازه! ما اول با استفاده از شبکه جهانی اینترنت (بابایمان گفت این طوری بگو که کلاسش بیشتر بشود!) و در اتاق های مفید چت فهمیدیم که پایتخت کشور با کلاس فرانسه، که مردمانش هم به زبان فارسی حرف می زنند، موگادیشو است! ما خیلی خوشحال شدیم که دانشمان زیاد شد، ولی بعد فهمیدم آن آلی که ما باهاش چت کردیم و علم مان زیاد شد همان حسن، همسایه بغلی مان است و آن بی سواد هم نمی دانسته که فرانسه پایتختش کن سولوقون است، نه موگادیشو!

زنگ اجتماعی: اصولاً در جامعه امروز، ارتباطات یک امر نهادینه است که نیاز به بستر سازی های فراوانی برای پیشبرد اهداف کلان دارد! (روزنامه بابام!)

زنگ تاریخ: آقا اجازه! ما در تحقیقاتمان فهمیده ایم که اگر اسکندر مقدونی با یزگرد سوم توی اتاق های چت آشنا می شدند. و مثل فیلم های هندی آخرش می فهمیدند که با هم فامیلند، الان روی سنگ های تخت جمشید مردم آن طوری نامردی یادگاری نمی نوشتند!

زنگ علوم: ما با توجه به تجربه تلخ چت با حسن به جای آلن، این دفعه توی یک سایت علمی رفتیم که خیلی حرف های دانشمندی تویش بود و آدم با خواندش در آینده بیکار نخواهد ماند. ما در این سایت علمی فهمیدیم که پانزده فوریه بر خلاف تصور صاحب نظران، تاریخ تولد محمدرضا گلزار است نه مهناز افشار!!

زنگ انشاء: البته بر همه واضح و مبرهن است که اینترنت چیز بسیار خوبی است که آدم می تواند با آن کلاس بگذارد و با دایی اش توی بلاد کفر _ که نمی دانیم کجاست _ حرف بزند و دایی آدم به آدم بگوید ماشاالله چقدر بزرگ شدی و آدم ذوق کند!

زنگ ریاضی: اینترنت اگر دو تا خوبی داشته باشد، سه تا هم بدی دارد، پس می ماند چند تا؟ یک بدی، آدم قبل از اینکه برود نمره اش را به مامانش یک جور بگوید که مامانش ناراحت نشود و قرص اعصاب نخورد، اینترنت بهش می گوید و آدم وقتی می آید خانه، فقط کتکش مانده که بخورد و برود بخوابد!

زنگ فارسی: من یار مهربانم دانا و خوش بیانم
دانی که اسم من چیست؟ اینترنتم؟ نه جانم!